

آرزوی کریسمس پنگوئن

فریده جهانگیری



پنگوئن نمی توانست صبر کند تا کریسمس را با خانواده و دوستانش جشن بگیرد.
اما هنگامی که همه چیز دقیقاً مطابق برنامه پیش نرفت،
پنگوئن جادوی تعطیلات را در بیشتر مکان های غیرمنتظره کشف کرد.

عصر روز کریسمس بود.

پامپکین داشت خودش را برای بهترین تعطیلاتی که تا کنون داشته است، آماده می کرد.

پنگوئن آهی کشید و گفت: "کاش یک درخت کریسمس واقعی داشتیم."



پنگوئن می دانست که هیچ درخت کاجی روی یخ وجود ندارد.

اما او یک ایده بنظرش رسید.





پنگوئن وسایلش را برای یک
سفر طولانی بسته بندی کرد
تا با سورتمه حمل کند.

بوتسی وسایل تزئینی را برداشت.



پامپکین ستاره را نگه داشت.



و پدر بزرگ هدایا را
برداشت.